

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سارا نیکو
۲۰ نومبر ۲۰۱۶

انتخاب ترامپ ، نغمه شوم فاشیسم

سرانجام انتخابات ایالات متحده آمریکا با پیروزی دونالد ترامپ بر هیلری کلینتن به پایان رسید. مبارزات انتخاباتی این دو، یکی از طولانی ترین مبارزات انتخاباتی در تاریخ آمریکا بود که تقریباً نزدیک به دو سال طول کشید که به لحاظ محتوا از سوی رسانه های جمعی آمریکا یکی از شخصی ترین و غیر سیاسی ترین و "خبیثانه و کثیف" ترین مبارزات انتخاباتی چند دهه اخیر نام گرفت. در طول مدت انتخابات ، دستگاه های تبلیغاتی هر یک از دو کاندیدا ، لحظه ای از تبلیغات منفی علیه کاندیدای حزب رقیب باز نماندند. در انتخابات اخیر آمریکا رأی دهندگان می بایست بین کاندیدای دو حزب اصلی ، حزب دمکرات - هیلری کلینتن و کاندیدای حزب جمهوری خواه - دونالد ترامپ یکی را انتخاب می کردند. این دو انتخاب بین کلینتن به مثابه سیاستمداری با تجربه و با سابقه در فعالیت های دولتی و ترامپ به عنوان میلیاردر معروفی که هیچ گاه جایگاهی در دولت و نهاد های سیاسی نداشت و با تکیه بر ثروت افسانه ای اش آمده بود که به قول خودش "سیستم ناسالم" سیاسی حاکم بر آمریکا را "پاکسازی" کند ، بود. میلیاردری که خود از ناسالم ترین سرمایه داران کشور است، سرمایه دار قمارخانه های معروف آمریکا، کسی که به کلاهبرداری در پروژه های کلان برج سازی معروف شده و برای فرار از پرداخت قروض مالی خود ، چندین بار اعلام رسمی ورشکستگی کرده است ، مالک هتل های زنجیره ای ترامپ و زمین های گلف با مارک "ترامپ" در سراسر دنیا ، صاحب دانشگاه خصوصی ترامپ با شهریه گران و مدرک بی ارزش تحصیلی. سرمایه داری که تجاوز به زنان یکی از برگ های پرونده سراسر سیاهش را تشکیل می دهد و نژاد پرستی و ضدیتش با مهاجران و اقلیت های مذهبی را حتی در مبارزات انتخاباتی اش هم کتمان نکرد. کسی که اوباما رئیس جمهور فعلی آمریکا رسماً گفته بود "او به هیچ وجه صلاحیت رئیس جمهور شدن و سرشت فرمانده کل قوا را ندارد". حال نه تنها "رئیس جمهور منتخب" شده بلکه به زودی جایگزین خود اوباما می شود و به عنوان چهل و پنجمین رئیس جمهوری ایالات متحده وارد کاخ سفید خواهد شد.

رئیس جمهور آینده آمریکا کسی است که در جریان مبارزات انتخاباتی ، چهره واقعی و هار بورژوازی را به نمایش گذاشت و اوج انحطاط تفکرات بورژوازی را با برخوردهای نژاد پرستانه ، خارجی ستیزی ، زن ستیزی نشان داد. کسی که به وضوح نشان داد که گندیدگی بورژوازی در عصری که در آن زندگی می کنیم تا چه حد پایمال کننده حرمت انسان ها می باشد. به واقع در جریان تبلیغات انتخاباتی، ترامپ دستکش های به اصطلاح سفید بورژوازی را در آورد و واقعیت دستان کثیف و به خون آلوده آن را به نمایش گذاشت. به این طریق وی امکان داد تا همه جهان ببینند که چه

کسانی و با چه مصالحی و به قیمت نابودی کارگران و ستمدیدگان برای رسیدن به قدرت و تداوم عمر امپریالیسم، حاضر هستند این چنین گستاخانه همه دستاوردهائی که با مبارزات توده های تحت ستم به دست آمده را مورد تعرض قرار دهند.

طنز تلخ این انتخابات نه پیروزی ترامپ یا شکست کلینتن که در واقعیت هر دو بخشی از سیستمی می باشند که دو حزب مطرح در امریکا برای حفاظت از موجودیت نظام استثمارگرانه حاکم شکل داده اند، هست؛ بلکه به نمایش درآمدن اوج پوسیدگی و ارتجاع کلیت نظام حاکم بود. دو حزبی که در دهه های اخیر در سیاست خارجی با سیاست های جنگ افروزانه و نابودی میلیون ها انسان در خاورمیانه و افریقا و در سیاست داخلی با تحمیل سیاست های ریاضت کشی و تشدید استثمار طبقه کارگر از آن حمایت می کردند. بزرگترین ریاکاری این انتخابات "آزاد"، حقه کردن این دروغ بزرگ می باشد که ترامپ و دستگاه تبلیغاتی اش انتخاب خود را نتیجه رأی کارگران و توده های ستم دیده امریکا قلمداد می کند. سناریویی که بی شباهت به توجیه طرفداران احمدی نژاد در انتخابات در جمهوری اسلامی نیست. یعنی طبقه کارگری که ترامپ با استثمار آنان و کشیدن شیره جانشان توانسته به ثروتی بی پایان برسد، کارگرانی که در بدترین شرایط بدون هیچ مزیت کاری در مواردی بی شمار حتی حقوق خود را هم از ترامپ دریافت نکردند، مقصر انتخاب این هیولای جدید کاخ سفید جلوه داده می شوند! در حالی که بر همه آشکار است که اساساً انتخابات در امریکا تحت حمایت و کنترل انحصارات و کارتل های بزرگ سرمایه داری یعنی کمپانی های تولید کننده و توزیع کننده کالاهای مصرفی و انحصارات نفتی و شرکت های صنایع نظامی و مؤسسات مالی و بانکی قرار دارد و کاندیداهای دو حزب با همه اختلافاتی که در ظاهر نشان می دهند اما در يك اصل مهم با هم توافق دارند و آن هم حفظ و بسط سلطه غارتگرانه سرمایه است و اختلافات آن ها بر سر چگونگی تداوم نظم سرمایه و چگونگی مکیدن خون مردم تحت ستم جهان می باشد. برآستی که کارل مارکس اندیشمند بزرگ کارگران چه داهیانه ماهیت انتخابات در نظام سرمایه داری را افشاء نمود، وقتی که گفت بورژوازی هر چند سال یکبار انتخاباتی می گذارد تا طبقه کارگر و توده های تحت ستم انتخاب کنند که توسط کدام مهره سیستم می خواهند استثمار شوند. این دقیقاً همان چیزی است که در انتخابات اخیر در امریکا صورت گرفت.

خلاف تبلیغات کانال های رادیو - تلویزیونی و مطبوعات و همچنین آن چه در دنیای مجازی "ارتباط جمعی" شاهدیم، انتخاب ترامپ آن قدر هم که گفته می شود، به قول معروف "غیر مترقبه" نبود. اولاً دو کاندیدای مورد بحث تا روز آخر در آمارها و سرشماری "حمایت و پشتیبانی"، شانه به شانه جلو می آمدند و در ثانی بحران های اقتصادی و سیاست های ریاضت کشانه بیرحمانه دولت ها در تقریباً همه کشور های سرمایه داری که به طور طبیعی باعث گسترش فقر و فلاکت می شود، در امریکا هم همچون استرالیا و کشور های اروپائی به ایده های افراط گرایانه نژادپرستی، ضد خارجی، ضد مهاجران، ضد مذاهب غیر مسیحیت دامن زده است. ترامپ هم با بهره گیری شیدانه از این نوع افکار و با ابراز بی محابای جملات گستاخانه ای که برای خیلی از رأی دهندگان تازه و بی سابقه بود، با وجود داشتن خصائل شخصیتی که هر یک از آن ها کافی بود تا هر رقیب سیاسی دیگری را از میدان خارج کند توانست به ریاست جمهوری برسد. در شرایط بحران اقتصادی که به تشدید میلیتاریسم نیاز دارد و در شرایط تشدید سیاست های جنگ افروزانه امپریالیست ها در خاورمیانه و سایر نقاط جهان، بیشک انتخاب ترامپ در شرایط کنونی جوابی به چنین ضرورت هائی می باشد. ضرورت هائی که بخشی از طبقه حاکمه امریکا برای پاسخ به آن ها موجود حقیری چون ترامپ را به جلو صحنه رانده است، همان طور که انتخاب اوباما در سال ۲۰۰۸ پاسخی بود به ضرورت مشخص آن دوران. دورانی که بعد از جنگ ها و جنایات دولت بوش، امپریالیسم امریکا در سطح جهانی مورد نفرت

آحاد مردم جهان قرار گرفته و به همین دلیل هم باید چهره ای را انتخاب می کرد تا توسط آن بتواند با فریبکاری ، توده های مردم را تحمیق کند و برای امریکا وجهه بخرد. در واقع در آن زمان انحصارات امپریالیستی امریکا با انتخاب یک سیاهپوست ، کوشش کردند آبروی از دست رفته خود در جهان را تا حدی در کوتاه مدت ترمیم کنند.

امروز هم در شرایطی که تداوم بحران های موجود، حیات سرمایه داری را همچنان مورد تهدید قرار داده و در چشم انداز های تصویر شده توسط متخصصان نظام هنوز راه حلی برای پایان و یا حتی تخفیف بحران وجود ندارد، سیستم حاکم برای تضمین بقای ظالمانه خود مجبور به سرکوب عریان توده های ۹۹ در صدی است که هر روز به شکلی خشم و نفرت خود علیه کل مناسبات استثمارگرانه حاکم را در خیابان ها به نمایش می گذارد. برای انجام چنین کاری یعنی سرکوب انقلاب و حفظ نظام باید عنصری را انتخاب و به قدرت رساند که کمپین انتخاباتی خود را با نمایش و تقدیس توحش عریان و تعرض به پایه ئی ترین حقوق شهروندان آغاز نموده است.

واقعیت این است که علی رغم این که بعد از انتخابات هم کلینتن و هم اوباما مردم را دعوت به آشتی ملی کردند و از مردم خواستند تا به ترامپ فرصت دهند و حتی به بهانه "منافع امریکا" دست همکاری به سوی ترامپ - کسی که تا روز قبل ، از او به عنوان یک فرد بی کفایت و خطرناک نام می بردند - دراز کردند ، اما از روز اول برنده شدن ترامپ، خیابان های ایالت ها و شهر های بزرگ امریکا مثل نیویورک، کالیفرنیا، شیکاگو، واشنگتن، تگزاس ، دنور ، فلوریدا و بسیاری دیگر ، صحنه اعتراضات خیابانی شدند. جوانان آگاه و متعهد ضمن ریختن به خیابان ها و مسدود کردن شاهراه های بزرگ شعار می دادند "هی ترامپ ، امریکا هیچ وقت عالی نبوده و تو نمی توانی آن را عالی کنی" ، "ترامپ رئیس جمهور من نخواهد بود" ، "وقتی کارگران مورد تعرض قرار می گیرند ما چه باید بکنیم؟ باید بایستیم و بجنگیم" ، "نه به ترامپ، نه به ک ک ک، نه به نژاد پرستی در امریکا".

این پتانسیل اعتراضی ، انرژی نیست که امروز آشکار شده باشد. این خشمی است که علی رغم تبلیغات فریبکارانه دستگاه اوباما ، سال هاست هر روز به شکلی سر باز کرده و حال بخشی از طبقه حاکمه امریکا با فرستادن ترامپ به جلو صحنه سیاست می خواهد با آن در جبهه داخلی تصفیه حساب کند. همان گونه که در جبهه خارجی می خواهد با ادامه تجاوز و جنگ "عظمت را به امریکا باز گرداند".

۲۰۱۶/۱۱/۱۲